



۲۰۱۶/۰۴/۰۹

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

گزارش فاتحه گیری تیموری صاحب فقید

قسمی که در اعلان فوتی تیموری صاحب بزرگوار آمده بود، مراسم فاتحه گیری ایشان روز یکشنبه



سوم اپریل ۲۰۱۶ در شهر "اُفن بخ" Offenbach - در جوار بلافصل فرانکفورت کنار دریای مین - برپا گردید. مراسم تدفین آن بزرگوار، چنان که گزارش داده شد، روز ۳۱ مارچ در شهرک کوهسار "گُسلار" Goslar برپا گردید، که جم بزرگی از اهل فامیل و دوستان مرحومی در



آن شرکت کرده بودند و بلافصله بعد از آن فاتحه ای در مسجد ترکان آنجا هم صورت گرفت. اما فاتحه اصلی و بزرگ موکول بود به سوم اپریل در شهر "اُفن بخ" کنار متروپول فرانکفورت. فاتحه از ساعت ۱۴ تا ۱۶ پیشین دایر شد و با صرف نذر لایق شأن متوفا به پایان رسید.

- فاتحه به رسم کلاسیک و در مسجد صورت نگرفت، که از یک طرف زنان و مردان جدا از هم باشند و از طرف دیگر ملاهای بی تأمل بیایند و مغز سر فاتحه داران و فاتحه دهان را چپه کنند.
- فاتحه در سالونی بزرگ و مجلل، که جهت تدویر مراسم خوشی و غم آراسته شده است، صورت گرفت.

- قاری هم کسی بود، غیر از مُلا، که با تناوب هم آیاتی از قرآن را قرائت می کرد و هم در مورد متوفا و موضوعات مرگ و آخرت گپ می زد.

طوری که دوستان و نزدیکان می دانند، تیموری صاحب بزرگوار از مُلا و دیگر دینفروشان سخت تنفر داشتند. با انتخاب چنین یک سالون آدم دستور و آداب آبرومند فاتحه گیری و سزاوار آن جناب، گویا آخرین آرزوی متوفای بزرگوار کاملاً برآورده شده بود.

فاتحه گیران یا فاتحه داران صفی بسیار طولانی را تشکیل داده بودند - در ابتداء مردان و متعاقباً زنان نزدیک خانواده ایستاده - و از فاتحه دهان پذیرائی می کردند.

به صدها نفر از دوستان و علاقه مندان تیموری صاحب فقید، که خود را از فواصل دور و نزدیک المان و ممالک مختلف دیگر رسانده بودند، آمدند و رفتند و صمیمانه اتحاف دعاء کردند. بسا از دوستان آن مرحومی را دیدم، که با ریختن اشک یاد آن بزرگمرد را گرامی داشتند. در آخر هم تعدادی در حدود سه صد نفر منتظر صرف کردن نذر ماندند، که به نوبت و با آداب آبرومند، غذای مورد نظر خود را گرفته در میز خود برگشته و نان خود را به آرامی می خوردند.

وقتی به سالون داخل شدم، صف فاتحه گیران ایستاده بود، که هریک را در آغوش گرفته و سرسلامتی دادم. الهه جان دختر ظاهر جان و نواسه تیموری صاحب مرا به میزی که خود با دختران جوان فامیل نشسته بود رهنمائی کرد. هنوز چند دقیقه نگذشته بود، که دیدم استاد بزرگوار اسیر صاحب رسیدند، یکجای با پسر ارشد شان خالد جان و داماد شان وکیل جان. لازم دانستم که پیش استاد رفته و ادای احترام نمایم و از طرفی هم بهتر بود جوانان را به حال خودشان بگذارم. پس از آن عزیزان معذرت خواسته در میز اسیر صاحب نقل مکان کردم و تا آخر همدرانجا ماندم.

تعدادی از متعلقان و دوستان به سخنرانی پرداختند - در صدر همه جناب انجنیر هاشم جان رائق - برادر کهنتر تیموری صاحب - بعداً داکتر ظاهر جان تیموری، فرزند ارشد متوفا و در آخر جناب ملک الشعراء استاد محمد نسیم "اسیر". هرکدام به نوبه خود درگذشت آن بزرگوار را ضایعه عظیم نه تنها برای فامیل بلکه برای حلقات و جامعه فرهنگی وطن قلمداد کردند.

اشتراک وسیع مردم و جم بس غفیر دوستان و علاقه مندان، خود مؤدی شخصیت و محبوبیت تیموری صاحب است و من شخصاً تاکنون فاتحه گیری بدین پهنا و آبرومندی را در اروپا ندیده ام.

یاد تیموری صاحب بزرگوار، گرامی باد!!!

و

خاطره شان هرگز از خاطرها مرواد!!!

(خ.م. همبورگ - ۷ اپریل ۲۰۱۶)